



در متی ۵: ۱۳، ۱۴ عیسی بذر مهمی برای فرهنگ پادشاهی خدا می‌کارد. او به شاگردانش می‌گوید که آنها نور و نمک جهان هستند.

این فرهنگی است که پادشاهی خدا در آن بارور میشود.

منظور عیسی از نور و نمک چیست؟

نمک طعم می‌دهد و از فاسد شدن جلوگیری می‌کند.

دوم پادشاهان ۲: ۱۹-۲۱

اتفاق البشع و آب ناگوارا نمونه ای از منظور عیسی است زمانیکه از ما به عنوان نمک جهان یاد میکند. کلامی که عیسی بر زبان می‌آورد، با خود زندگی به همراه می‌آورد و زندگی ما را پاک میکنند. کلام او در ما باعث بوجود آمدن تفاوتی میشود که در رفتارمان با اطرافیان و همچنین طرز برخوردمان با یکدیگر دیده میشود. مردم فرق میان روش زندگیمان را میبینند. بودن ما به اطرافمان طعم میبخشد. همچون نمکی که به غذا می‌افزاییم.

ناتاشا

زمانی که فهمید مادرش مسیحی شده، تصمیم گرفت به طور جدی زندگی خود را بر طبق قوانین اسلام و قرآن ادامه دهد. بسیار متعصبانه به راه خود ادامه میداد، ولی در این میان شاهد تغییراتی در مادر خود نیز بود. پس تصمیم گرفت تا ایمان به مسیح را مورد بررسی قرار دهد. در نهایت به این نتیجه رسید که عیسی را در زندگی خود بپذیرد. با همان تعصبی که در گذشته قرآن را مطالعه میکرد، به ایمان جدید خود اعتراف میکرد. دوستان و خانواده اش خیلی زود متوجه تغییرات جدیدی در ناتاشا شدند. در کردار و گفتارش دیگر هیچ چیزی از گذشته باقی نمانده بود. خیلی سریع یکی از افراد فامیل در ایران به وسیله اینترنت متوجه شد که ناتاشا شروع به شناخت خدا از طریق خیلی خاصی کرده. بسیار کنجکاو شد و دیری نگذشت که او نیز به جمع پیروان عیسی مسیح پیوست. او طعم را چشیده بود. همچنین پدر، مادر و برادر کوچک او نیز میبایست این را میشنیدند.

خیلی زیبا بود که چطور کلام عیسی تغییرات را در خانواده ناتاشا به وجود آورد، بدون اینکه آنها با هم ملاقاتی داشته باشند.

اجازه بدهید که نور تان بدرخشد.

چرا زمانی که موسی از کوه برگشت مردم نمیتوانستند به او نگاه کنند؟

خروج ۳۴: ۲۷-۳۵

زمانیکه عیسی و شاگردانش به بالای کوه رفتند چه اتفاقی برای عیسی افتاد؟

متی ۱۷: ۱-۲

عیسی خود را نور جهان میخواند

یوحنا ۸: ۱۲،

یوحنا ۹: ۵

در این آیات میخوانیم که وقتی با خدا ارتباط برقرار میکنیم، نزدیکی او ما را تغییر میدهد. موسی و عیسی بخاطر حضور خدا نورانی شدند که این حتی در چهره آنها قابل مشاهده بود.

دو فرزند

دو مرتبه شاهد ملاقات خدا با دو تا از فرزندانم بودم و تاثیر این ملاقات به طور واضح در چهره آنها دیده میشود.

اولین بار زمانی بود که پسرمان را پیش شخص غریبی گذاشتیم تا از او مراقبت کند. زمان رفتن ما از آن محل، از اینکه در غیاب ما در مکان غریبی بماند به شدت ترسیده بود. به عنوان یک پدر به شدت نگران بودم، و در انتها خوشحال بودم که از یک جلسه کلیسایی بازگشته بودم. وقتی وارد اتاق پسرم شدم، دیدم روی تخت نشسته. صورتش میدرخشید. هیچ رد پایی از ترس وجود نداشت. تعریف کرد که پس از رفتن ما سه مرد با لباس سفید به اتاقش آمده بودند. بسیار نورانی و درخشان بودند. یکی از سه مرد به پسرم گفته بود که عیسی است و پسرم لازم نیست بترسد. تا هفته ها پس از آن، او از این اتفاق سخن میگفت، و چهره اش جلای خاصی داشت.

سالیان بعد دختر بزرگمان به بولیوی سفر کرد. تصمیم داشت که آنجا در یک سازمان حمایت از کودکان خیابانی مشغول به کار شود. او رفت، بدون اینکه حتی زبان آنجا را بلد باشد. هفته های اول برایش بسیار سخت بودند. ما نیز به عنوان پدر و مادرش در ابتدا بسیار نگران دخترمان بودیم. با این حال روح خداوند مشوق ما بود تا او را در دستان خدا رها کنیم. در آن دوره نه ماهه، او به کرات حضور خدا را حس کرده بود و به خوبی به یاد دارم که چگونه با چهره ای درخشان وارد فرودگاه آمستردام شد. درخششی که تا مدت ها بر روی صورتش دیده میشود.

نور خدا، نور عیسی، در زندگی ما چه میکند؟

یوحنا ۱: ۴-۱۸

عیسی اینجا نور خوانده میشود، ولی همچنین کلمه ای که جسم گردید. ما میدانیم زمانی که روشنی می آید تاریکی از بین میرود. این چنین شد که کلام خدا به این جهان آمد تا حقیقت خدا را آشکار کند. این حقیقت که خدا بد نیست، بلکه خوب است! این حقیقت که او نیامد تا قضاوت کند، بلکه تا ما را نجات دهد. این کلام حیات و نور به زندگیهای ما می آوردند.

یوحنا ۳: ۱۹-۲۱

زمانیکه عیسی نورش را در شما بدرخشاند، تاریکی از بین خواهد رفت. نور به وسیله کلامش می آید، گاهی اوقات مستقیم، و گاهی از طریق دیگران. آنچه درون قلب شما است و باعث دوری شما از خدا میشود را در نور می آورد. در واقع هر آنچه که تاریکی و فشار در قلبتان می آورد، در نور می آید تا اینکه شما بتوانید با این چیزها تصفیه حساب کنید.

دوم قرنتیان ۴: ۴-۶، ۶: ۱۴

خدای این جهان ما را به وسیله افکارمان به تاریکی میکشاند. اگر عیسی خداوند زندگیتان شود دقیقاً برعکس این کار را انجام میدهد. کلامش نور در قلبتان می آورد و افکارتان را نو میسازد. معرفت عیسی شما را از بند کوری رهایی میبخشد.

پیامد تجربه این نور در زندگیمان چیست؟

اعمال رسولان ۱۳-۲۶

رومیان ۱۳: ۱۲

زمانی که نور در شما راه پیدا کند، شما نیز خود نوری برای دیگران خواهید شد.

شمع ها

بعضی افراد سعی میکنند همچون شمع که هرگز روشن نشده، نور بدهند. این شدنی نیست. شمع که روشن نباشد نور نیز نخواهد داد. این را همه میدانند. برای ما مسیحیان، پیروان پادشاه، نیز این چنین است. شما ابتدا باید خود، آن نور و کلامش را در دلتان دریابید، در کنارش باشید و از حضورش نورانی شوید. بدون شک مردم نیز متفاوت بودن شما را

خواهند دید. نور درون شما، کلام او یعنی خبر خوش انجیل، باعث انتقال این نور به دیگران میشود.

آیا همه این نور را می بینند؟

یوحنا ۳: ۱۹-۲۱

متأسفانه کسانی هستند که به انتظار نور ننشسته اند. بعضی ها تاریکی را ترجیح میدهند و میخواهند در آن بمانند

تکلیف

زمان بگذارید تا در حضور خدا باشید. به طور مثال به موسیقی پرستشی گوش بدهید. سعی کنید همه چیز اطرافتان را فراموش کنید و بگذارید که نور در قلبتان بیاید.

به آنچه او به شما نشان میدهد عکس العمل نشان دهید.

اصل سی و نهم

عیسی به شاگردانش می گوید که آنها نمک و نور هستند. با نور و نمک بودن بذر کلام خدا میوه می دهد.

